

کاربرد اسلوب طنز در سروده‌های نسیم شمال و ابراهیم طوقان

عزت ملاابراهیمی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۲

معصومه حاجی عموشا**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۱۷

چکیده

مضامین وطن‌دوستی و ملی‌گرایانه در ادبیات ملت‌هایی متجلی می‌شود که سرزمین آن‌ها مورد تهاجم استعمارگران واقع شده باشد. ایران و فلسطین از جمله کشورهای هستند که در سده اخیر شاهد حضور و تجاوز بیگانگان بوده و شعرای متعهد این دو کشور در چنین شرایطی برای دفاع از هویت اسلامی و کیان ملی خود در صحنه حاضر شده‌اند. در این میان معدود شاعرانی بودند که با استفاده از اسلوب طنز رسالت هنری خود را به انجام رساندند. از این رو اشعارشان بیش از سروده‌های دیگر شاعران مورد توجه و استقبال عمومی قرار گرفته است. در این مقاله به روشی توصیفی-تحلیلی و در چارچوب ادبیات تطبیقی به بررسی کاربرد اسلوب طنز در اشعار نسیم شمال و ابراهیم طوقان پرداخته شده و برخی مضامین ملی مشترک میان سروده‌های دو شاعر از جمله وطن‌دوستی، حسرت بر عظمت بر بادرفته وطن، تأسف به خاطر شرایط کنونی کشور، و انتقاد از عملکرد خیانت‌پیشگان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژگان: وطن‌دوستی، شعر معاصر، طنز، استعمار، ادبیات تطبیقی.

mebrahim@ut.ac.ir

mamoupasha@gmail.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران (دانشیار).

** عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: عزت ملاابراهیمی

مقدمه

اسلوب طنز به‌ویژه در سروده‌های پایداری و مقاومت، بر خلاف ظاهر سخره‌آمیزش، سبکی متعهدانه و هدفمند است که با زبانی صریح و انتقادی، افزون بر انعکاس شرایط و اوضاع کشور، به دنبال تغییر و دگرگونی و تهییج مردم در مقابل تجاوز ظالمان می‌باشد. طنز به صورت عمومی جنبه مزاح و شوخی دارد و هدف عمده آن تفریح، سرگرمی، خنداندن و شادکردن مردم است. کاربرد آن در مسائل اجتماعی و سیاسی از آن روست که شاعر می‌خواهد مخاطب خود را با تفکر و تدبیر متوجه اهدافی مهم‌تر کند. موضوع اسلوب طنز در ادبیات، عمدتاً سیاسی و اجتماعی است و شاعر به قصد تأثیرگذاری، دست به آفرینش اثر هنری و ادبی خود می‌زند. شاعر در شعر پایداری و مقاومت می‌خواهد به مخاطبان بیاموزد که در مقابل اشغالگران و مستبدان باید مقاومت کرد. شعر طنزآمیز میهنی، معمولاً از مضامین عرفانی، فلسفی و اخلاقی تهی است و عشق به وطن و فداکاری در راه آن از اصلی‌ترین مؤلفه‌های این نوع شعر به شمار می‌آید.

فروپاشی امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول، نوعی واگرایی سیاسی در سرزمین‌های عربی ایجاد کرده بود. ملت‌های عربی از هم جدا گشته و هر کدام به دنبال هویت مستقل سیاسی - تاریخی برای خود در مقابل بیگانگان بودند. در این میان شعرا، نقش بسزایی در ایجاد روح مقاومت و پایداری در میان مردم داشته‌اند. *ابراهیم طوقان* در شرایطی سیاسی - اجتماعی‌ای زندگی کرد که صهیونیست‌ها با حمایت دولت انگلیس، مهاجرت فزاینده‌ای را به سرزمین فلسطین آغاز کرده و زمین‌های فلسطینیان را به تصاحب خود درآورده بودند. شاعر می‌دید که استعمارگران و نظام فئودالیسم فلسطین از واگذاری یا فروش سرزمین اجدادی او به بیگانگان ابایی ندادند. ارزش‌های ملی، اجتماعی و فرهنگی کشور مورد تهاجم قرار گرفته بود و غرور و نخوت ملی آن‌ها جریحه‌دار شده بود.

ابراهیم طوقان در دوران نوجوانی، خیانت سران عرب و رهبران سازشکار فلسطینی را مشاهده می‌کرد و می‌دانست که آینده‌ای مبهم در انتظار وطنش خواهد بود. او با دمیدن روح مبارزه‌طلبی و وطن‌خواهی در کالبد هموطنانش، کوشید تا ضمن ایفای رسالت سازنده خود، آنان را از خواب غفلت بیدار سازد. از این رو بن‌مایه‌های وطن‌دوستی،

ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی در سروده‌های او جایگاه برجسته‌ای را به خود اختصاص داده و در نظر برخی از اندیشمندان عرب به «شاعر ملی» ملقب شده است (شراب، ۲۰۰۶: ۱۵۰).

دوران زندگی نسیم شمال نیز بی‌شبهت به زندگی ابراهیم طوقان نبوده است. چه در آن برهه از زمان کشور ایران با خروش مشروطه‌خواهان و استعمارستیزان مواجهه بود. استبداد و آزادی، درگیری‌های بی‌پایانی را با یکدیگر آغاز کرده و بخش‌هایی از کشور به اشغال بیگانگان درآمده بود.

نسیم شمال در چنین شرایطی با بکارگیری اسلوب طنز، زبانی ساده و ساختاری کلاسیک کوشید تا به احیای میراث کهن تاریخی و فرهنگی ایران پردازد و روح مقاومت و از خود گذشتگی را در کالبد هموطنانش بدمد. شعر او در ورای شکل ظاهری بی‌پیرایه و طنزآمیز خود، از مضامین سیاسی و اجتماعی عمیقی برخوردار است که با هدف کسب آزادی، اصلاح طلبی و انتقاد از اوضاع نابسامان جامعه سروده شده است. شاعر با بکارگیری الفاظ عامیانه، تلاش دارد تا از مردم به‌ویژه جوانان غیرتمند سرزمینش استمداد طلبد و آنان را به مقاومت در برابر زورمداران و مستبدان ترغیب کند.

روحیه سازش‌ناپذیر هر دو شاعر در برابر استعمارگران، نگارندگان را واداشت تا در پژوهش حاضر به بررسی اسلوب طنز در سروده‌های دو شاعر پردازند و ضمن ارائه توضیحی کوتاه درباره جایگاه طنز در ادبیات و بیان انواع آن، نخست ویژگی‌های مشترک زندگی و شعر هر دو شاعر را مورد واکاوی قرار دهند. سپس از مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری آنان سخن به میان آورند.

کلیات پژوهش

این مقاله در چارچوب ادبیات تطبیقی و بر پایه اصول مکتب آمریکایی تدوین شده است. بر این اساس نگارندگان به استخراج و تحلیل درون‌مایه‌های مشترک و بیان زیرساخت‌های متفاوت در شعر ابراهیم طوقان و نسیم شمال بیش از همه توجه داشته‌اند. چه ویژگی بارز مکتب آمریکایی آن است که تأثیر و تأثر ادبیات و زبان اقوام ملت‌ها را بر یکدیگر نادیده انگاشته و آثار ادبی را ناشی از روح مشترک همه انسان‌ها

می‌دان (شرکت مقدم، ۱۳۸۸: ۱۳). این مکتب مأموریت ادبیات تطبیقی را نه تنها بررسی امتداد ادب ملی، بلکه آن را در خارج از مرزها و حتی فراتر از حوزه ادبی می‌بیند. از این رو نگارندگان مقاله در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال برآمده‌اند که چرا نسیم شمال و ابراهیم طوقان اسلوب طنز را برای بیان مضامین ملی خود برگزیده‌اند و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان ساختار طنز آن دو وجود دارد؟ در فرضیه‌های نخست محققان پنداشتند که کاربرد اسلوب طنز در اشعار سهل و ممتنع و در عین حال بدیع و نوآورانه دو شاعر، بیش‌تر به منظور جلب مخاطب بوده است. گویا آنان با استفاده از این اسلوب قصد داشته‌اند مردم را به طور غیرمستقیم به تدبیری ژرف وادارند و آنان را به هوشیاری در برابر خطر بیگانگان و بیداری از خواب غفلت سوق دهند.

درباره زندگی، افکار و اشعار نسیم شمال و یا ابراهیم طوقان تاکنون پژوهش‌های جداگانه‌ای صورت گرفته و یا اشعار یکی از این دو شاعر با دیگر سراینده‌گان ایرانی یا عربی مقایسه شده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

سلیمی، علی و پیمان صالحی. «بررسی بازتاب عشق به وطن در شعر بهار و ابراهیم طوقان»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۹۰. نویسندگان در این مقاله با بررسی شرایط تاریخی دوران زندگی دو شاعر، مضامین وطن‌دوستی را در اشعار آنان بیان کرده و این سروده‌ها را نشانه دغدغه بیش از حد و نگرانی آن دو درباره سرنوشت وطن خود دانسته‌اند.

سلیمی، علی و سمانه نوروزی. «پایداری در شعر فرخی یزدی و ابراهیم طوقان (همگونی در مضمون، نوآوری در سبک)»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۲. به اعتقاد نویسندگان این مقاله، اشعار دو شاعر از نظر مضمون به یکدیگر نزدیک است. ولی از نظر ساختار شعری با هم متفاوت‌اند. زیرا فرخی یزدی بیش‌تر از غزل سیاسی و ابراهیم طوقان عمدتاً از موشحات و اوزان ضربی برای بیان افکار خود بهره برده است.

ریاحی، سارا. «بررسی آزادی و آزادی‌خواهی در اشعار نسیم شمال و ملک الشعراء بهار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد زاهدان، ۱۳۹۰.

ممتحن، مهدی و فروغ الهی. «مقاسیه ناسیونالیسم در اشعار ملی عارف قزوینی و ابراهیم طوقان»، مجله ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۸۸. به‌رغم تدوین تحقیقات ذکرشده، تا کنون پژوهش مستقلی به مقایسه تطبیقی سروده‌های ملی نسیم شمال و ابراهیم طوقان آن هم با استفاده از اسلوب طنز نپرداخته و آثار آنان را با این رویکرد مورد بررسی و تحلیل قرار نداده است.

نگاهی به زندگی شخصی و ادبی دو شاعر

الف) نسیم شمال

سید اشرف‌الدین حسینی معروف به نسیم شمال در سال ۱۲۸۷ق در قزوین به دنیا آمد (محمدی، ۱۳۷۳: ۱۷۳). نسیم شمال در سال‌های اولیه زندگی خود، پدرش را از دست داد و علوم مقدماتی را با حمایت مادر خود در قزوین فرا گرفت. در نوجوانی برای تحصیل دروس حوزوی به نجف و کربلا رفت. نسیم شمال بعد از ۵ سال تحصیل در حوزه‌های علمیه عراق، در سال ۱۳۰۰ق به قزوین بازگشت. پس از آن در سن ۲۲ سالگی برای تحصیل عازم تبریز شد و پس از ۶ سال اقامت در آنجا، به رشت رفت (حسینی گیلانی، ۱۳۷۱: ۲۰۷).

اشرف‌الدین در رشت با رهبران مشروطه گیلان آشنا شد و بعد از اعلان مشروطیت هفته‌نامه «نسیم شمال» را در دوم شعبان ۱۳۲۴ منتشر کرد (همان: ۲۸). مجله «نسیم شمال» در چهار صفحه با مندرجات طنز، فکاهی و شعر منتشر می‌شد که تمام اشعار آن توسط اشرف‌الدین سروده شده بود. سبک روان و دلنشین وی و مطالب نقادانه روزنامه به گونه‌ای بود که به سرعت در میان مردم جای خود را باز کرد. سال چهارم انتشار روزنامه «نسیم شمال» مصادف با حضور سربازان روسی در گیلان و اشغال رشت در سال ۱۳۲۹ق شد. از این رو نسیم نوک پیکان اشعار طنز و حماسی خود را متوجه اشغالگران ساخت و کوشید تا با رهاساختن اذهان عمومی از بند جهالت و خرافه‌پرستی، روحیه مقاومت و پایداری را در میان آنان ترویج کند. نسیم شمال در سال ۱۳۳۳ق به تهران آمد و به انتشار هفته‌نامه خود در پایتخت ادامه داد (نورمحمدی، ۱۳۸۴: ۲۰). سعید نفیسی درباره استقبال توده مردم از «نسیم شمال» اینگونه می‌نویسد: «روزنامه او را

دست به دست می‌گرداندند؛ در قهوه‌خانه‌ها، در سر گذرها و در جاهایی که مردم گرد می‌آمدند. باسوادها برای بی‌سوادها می‌خواندند. مردم دور هم حلقه می‌زدند، روی خاک می‌نشستند و به آن گوش می‌دادند» (۱۳۸۵: ۹). نسیم شمال پس از سال‌ها مبارزه و تحمل سختی‌های فراوان سرانجام در سال ۱۳۱۳ ق در تهران درگذشت (گیلانی، ۱۳۸۵: ۱۳).

ب) ابراهیم طوقان

وی شاعر مبارز و بلندآوازه فلسطینی است که به گفته نغسان کنفانی از نخستین طلایه‌داران شعر مقاومت فلسطین در دهه سی و چهل قرن بیستم میلادی به شمار می‌رود (۱۹۶۸: ۱۴). ابراهیم طوقان در سال ۱۹۰۵ م (حماده، ۱۹۸۵: ۱۰۲) یعنی حدوداً ۳۰ سال پس از نسیم شمال در نابلس (نمر، ۱۹۵۷: ۱۵۹) به دنیا آمد. وی در میان خانواده‌ای شهره به علم و ادب پرورش یافت. پدر و مادرش هر دو اهل ادب و تاریخ بودند. او تحصیلات ابتدایی را در مدرسه الرشیدیه گذراند و در ۱۹۱۹ م در مدرسه المطران بیت‌المقدس درس خواند (محاسنی، بی‌تا: ۸۱). تلاوت قرآن و خوشه‌چینی از خرمن آن، در تربیت فرزندان خانواده طوقان نقش بسزایی داشت. ابراهیم نیز از کودکی با آموزه‌های قرآن کریم انس گرفت و با تلاوت و دقت نظر در مفاهیم والای آن، روح تشنه خود را سیراب کرد (ممتحن و الهی، ۱۳۸۸: ۲۴۵). وی تحصیلات عالی خود را در دانشگاه آمریکایی بیروت دنبال کرد و در آن زمان نخستین چکامه‌های انقلابی خود را سرود و در روزنامه‌های لبنان منتشر کرد. در این دوره بود که با ادیبان و شاعران برجسته‌ای چون بارودی و عمر فروخ آشنا شد.

طوقان چند سال در گروه زبان عربی دانشگاه آمریکایی بیروت به تدریس مشغول شد. سپس به زادگاهش بازگشت و در مدرسه النجاح و رشیدیه به تدریس پرداخت. ابراهیم در ۱۹۳۶ م مدیریت بخش عربی رادیو قدس را بر عهده گرفت (بکار، ۲۰۰۴: ۸۱). وی با استفاده از این فرصت به ترویج روحیه وطن‌دوستی و برانگیختن احساسات ملی همت گماشت. از این رو به بهانه آشوب‌طلبی و دامن زدن به اختلافات مذهبی و نژادی در ۱۹۴۰ م از کار برکنار شد. او چندی در عراق به تدریس پرداخت. اما به سبب بیماری به

کشورش بازگشت و سرانجام در ۱۹۴۱ م دیده از جهان فرو بست (ملاابراهیمی، ۱۳۹۰: ۳۰۳).

ابراهیم طوقان به عنوان نماینده برجسته شعر ملی فلسطین عمر کوتاه خود را یکسره در راه اعتلای آرمان‌های ملت صرف کرد. وی از شعرش سلاحی سهمگین برای مبارزه و شمشیری آخته برای سرکوب دشمنان ساخت. او با نغمه‌های سحرانگیز و چکامه‌های دلاویز خود مردم را به وجد آورد؛ آنان را از توطئه‌های انگلیس و صهیونیسم آگاه ساخت و به ساحل مبارزه و جانفشانی رهنمون کرد. مضامین شعری او همگی دربرگیرنده واقعیتها و مشکلات موجود جامعه فلسطین بود. وی توانست با بهره‌گیری از واژگانی استوار، معانی دلنشین، عواطفی صادقانه و تعابیری عامیانه شعری ماندگار بسراید و آن را وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف انقلابی خود قرار دهد (طه، ۱۹۹۹: ۱۴۵).

دوران زندگی و تحصیل *ابراهیم طوقان* همانند نسیم شمال با استبداد، ظلم و اشغالگری بیگانگان، جهل و خرافه مردم، خیانت و غفلت مسئولان همراه بوده است. افزون بر این هر دو شاعر در دوران کودکی مجبور به مهاجرت و ادامه تحصیل در کشوری دیگر بوده و هر دو تجربه نویسندگی در عرصه مطبوعات و فعالیت در این حوزه را پشت سر گذاشته‌اند. در دوره زندگی *ابراهیم طوقان* صهیونیست‌ها شروع به خرید و تصاحب زمین‌های فلسطینی کردند و در دوره زندگی نسیم شمال نیز در کنار مستبدان داخلی، اشغالگران روس و انگلیس هم شمال و جنوب ایران را به اشغال خود درآورده بودند. بدین گونه هر دو شاعر، در آثار خود به مبارزه، بیدارگری، پایداری و ترویج روحیه وطن پرستی در میان مردم پرداختند.

جایگاه اسلوب طنز در ادبیات

واژه طنز که از اصطلاح لاتینی Satire و ریشه لاتینی Sature گرفته شده، در اکثر زبان‌ها به معنای انتقادهایی است که با زبانی فکاهی و خنده‌دار بیان شود (اصلائی، ۱۳۸۷: ۱۴۰). هرچند واژه طنز گاه با فکاهه، هجو و هزل هم‌معناست، اما به‌رغم وجود شباهت‌هایی میان آن‌ها، اختلاف‌های دقیقی نیز وجود دارد (تات‌پور، ۱۳۷۷: ۱۰۰). زبان همه این واژه‌ها غیر جدی بودن است که در زبان عامیانه به آن مطایبه نیز می‌گویند.

نزدیک‌ترین واژه به طنز فکاهه است که بر رفتار و گفتاری اطلاق می‌شود که موجب شادی و خندانند مردم شود، بدون آنکه قصد انتقاد یا توهین به کسی را داشته باشد. در هجو و هزل هدف عمدتاً تخریب اشخاص است. در اصطلاح ادبی به آثاری طنزآمیز می‌گویند که با نشان دادن عیب‌ها، نادرستی‌ها، ظلم‌ها و کجی‌های جامعه یا افراد، به نقد و اصلاح آن می‌انداشد. در حقیقت طنز ترکیبی از شوخی، انتقاد و اصلاح‌گری است و با معنای عمومی آن که مسخره کردن و طعنه زدن است، تفاوت بارزی دارد.

در واقع کنایه، انتقاد و طعنه زدن، از ضروریات طنز است که هدفش در ظاهر تمسخر و نشان دادن عیب‌هاست، ولی در باطن اغراض و اهداف اجتماعی و سیاسی دارد. به گفته عمران صلاحی طنز هجوی است از روی غرض اجتماعی انجام شود و صورت تکامل یافته هجو است (۱۳۶۵: ۵).

طنز در اصطلاح ادب شیوه خاص بیان مفاهیم اجتماعی، انتقادی، سیاسی و طرز افشای حقایق تلخ و تنفرآمیز ناشی از فساد و بی‌رحمی‌های فرد یا جامعه است که بیان آن‌ها به صورت عادی یا به طور جدی ممنوع می‌باشد. بیان این مضامین در پوششی استهزاء گونه و نیشخندآمیز، به منظور نفی و برافکندن ریشه‌های فساد، طنز نامیده می‌شود (بهزادی، ۱۳۷۹: ۶).

به هر حال طنز در اصل برای سرگرمی و شاد کردن مخاطب به کار گرفته می‌شود. در شرایطی که انسان نمی‌تواند با قدرت سیاسی و اجتماعی حاکم درافتد، با زبان طنز به بیان مشکلات جامعه و بیدار ساختن اذهان عمومی مردم می‌پردازد. در ایران، نویسندگانی چون عبید زاکانی معروف‌ترین اثر طنز خود را از زبان "موش و گربه" بیان کرده است. نسیم شمال نیز از زبان "دیوانگان"، دردهای بی‌درمان ایران را آشکار می‌کند. با این وجود طنز سیاسی و اجتماعی که هم در چارچوب نقد و هم در حوزه ادبیات قرار می‌گیرد، نوعی نقد ادبی خاص است که در آن با کاربرد برخی نمادها و ساختاری مثل کنایه، رمز و تمسخر، به دور از زبان صریح و مستدل، به نقد و تبیین واقعیات سیاسی و اجتماعی جامعه می‌پردازد.

مضامین مشترک ملی و طنز آمیز در سروده‌های دو شاعر

دفاع از وطن

درون‌مایه‌های مشترک میان اشعار *ابراهیم طوقان* و *نسیم شمال* را می‌توان در دفاع از وطن، ملت، مقاومت، پایداری و ایثار در راه میهن دانست. در برهه‌ای که ایران مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته بود، *نسیم شمال* دلسوزانه جوانان کشور را به دفاع از وطن فرا می‌خواند و فریاد آزادی سر می‌داد (۲۵۴):

ای جوانان وطن! نونهالان وطن! می‌رود جان وطن

او در جایی دیگر حمله بیگانگان و اشغال کشور را عامل نابودی دین و میهن

می‌داند (۴۱۲):

اجنبی شد حمله‌ور بر مذهب و آیین ما ای دریغا می‌رود هم مملکت هم دین ما
ابراهیم طوقان را صاحب ابداعات و ابتکارات قابل توجهی در عرصه شعر و ادب فلسطین دانسته‌اند (ممتحن و الهی، ۱۳۸۸: ۲۶۸). ارائه شیوه‌های نوین بیانی چون بکارگیری اسلوب طنز، استهزاء و تهکم در بیان حقایق سیاسی و ملی کشور از آن جمله است. وی نخستین فردی بود که از این اسلوب در شعر معاصر عربی بهره جست؛ زیرا تا آن زمان، شعرا عموماً از اسلوب‌های صریح و غضب‌آلود برای بیان ابعاد مسائل ملی و سیاسی استفاده می‌کردند (جیوسی، ۱۹۹۷: ۳۶۷). وی با این اسلوب در خلال سروده‌های بی‌شمار ملی خود، مردم را به مبارزه و ایستادگی در برابر استعمارگران و صهیونیست‌ها تشویق می‌کند. یکی از معروف‌ترین اشعار *ابراهیم* قصیده «نشید فلسطین» است که شاعر در آن عشق به وطن در نهان و آشکار را نشانه دینداری می‌داند (۲۶۲). او در قصیده‌ای دیگر به نام «أیها الأقباء» دشمنان وطن را اینگونه به باد سخره می‌گیرد (۲۱۳):

قَدْ شَهِدْنَا لِعَهْدِكُمْ بِالْعِدَالَةِ	وَخَتَمْنَا لِحُنْدِكُمْ بِالْبِسَالَةِ
وَعَرَفْنَا بِكُمْ صَدِيقًا وَفِيَّا	كَيْفَ نَنْسَى اِنتِدَابَهُ وَاحْتِلَالَهُ
وَخَجَلْنَا مِنْ لَطْفِكُمْ يَوْمَ قُلْتُمْ	وَعَدَ بِالْفُورِ نَافِذًا لَا مَحَالَةَ

- دیدیم که شما در عهد و پیمان‌تان چقدر عدالت به خرج داده‌اید. چه سربازان شجاعی دارید. شما را دوستانی باوفا می‌دانستیم. چگونه اشغالگری و قیمومیت‌تان را

فراموش کنیم. وقتی به ما گفتید که اعلامیه بالفور حتماً به اجرا در خواهد آمد، از این همه لطف و بزرگواری شما شرمنده شدیم.

طوقان دشمنان وطن را به مثابه گرگ‌هایی می‌داند که منافع ملی سرزمینش را به یغما می‌برند (۹۰). وی در این باره می‌گوید: «آن‌ها می‌خواهند ما کوچ کنیم. ما هم این کار را انجام می‌دهیم، به روی چشم! اما شما هم کوچ ما را می‌خواهید و هم نابودیمان را» (۲۱۳). شاعر در جای جای دیوانش از جوانان وطن می‌خواهد تا به پا خیزند و عظمت و حقوق از دست رفته خود را از متجاوزان بستانند (۵۲۲).

نسیم شمال هم با بکارگیری چنین تعبیری درباره وطن، آن را تنها و گرفتار در دهان گرگ‌ها می‌داند. او در سروده‌ای معروف، برای تهییج افکار عمومی، فریاد "ای وای وطن وای" را سر می‌دهد تا همگان را به دفاع از کشور ترغیب کند (۲۸۳):

گر دیده وطن غرقه اندوه و محن وای	ای وای وطن — وای
خیزید و روید از پی تابوت و کفن وای	ای وای وطن — وای
از خون جوانان که شده کشته در این راه	رنگین طبق ماه
خونین شده صحرا و تل و دشت و دمن وای	ای وای وطن — وای

ابراهیم طوقان نیز اشعاری تقریباً با همین محتوا و مضمون سروده است (۵۷):

مَرَحَى لَشَّبَانِ الْبِلَادِ فَمَا لَهُمْ	إِلَّا السُّمُو إِلَى الْعُلَى مِنْ دِيدِنِ
نَهَضَ الشَّبَابُ يُطَالِبُونَ بِمَجْدِهِمْ	يَا أَيُّهَا الْوَطَنُ الْمَجِيدُ تَيْمِنِ

- غرور من به خاطر جوانانی است که هدفی جز دستیابی به بزرگی‌ها ندارند. ای وطن گرامی! این جوانان برخاسته‌اند تا مجد و عظمت خود را مطالبه کنند.

وطن‌دوستی و دفاع از آن در سروده‌های هر دو شاعر، امری مشترک، طبیعی و ارزشمند تلقی می‌شود و ستیز با جلوه‌های مختلف اشغال و استعمار، از شاخصه اصلی اشعار ملی آن دوست. *نسیم شمال* با بیان شیرین و روان خود، گرفتاری‌های وطن را به بیگانه‌پرستانی نسبت می‌دهد که به وعده‌های استعمار دل بسته‌اند و با فراموشی هویت خود، از بیگانگان جانبداری می‌کنند (۴۴):

پیش از این بود یکی فیل کبود	هیکلش را ملک الموت ربود
اندر این شهر دگر فیل نبود	حال از سعی و تقلای رنود

حال ایران شده ویران ز سه فیل روس فیل، انگلو فیل، آلمان فیل
/ ابراهیم طوقان نیز با زبانی استهزاء گونه خطاب به برخی از رهبران فئودال،
مسامحه‌جو و سازشکار فلسطین که به وعده‌های واهی دولت قیومت دل خوش کرده‌اند
می‌گوید (۱۹۹):

أحرارنا قد كُشفتم عن بطولتكم
عَظاها يَوْمَ تَوَقَّعَ الكِفالاتِ
أنتم رجالُ خطاباتٍ مُنمَّقةٍ
كما غلّنا وأبطالُ إحتجاجاتٍ

- آزادمردان در روز امضای تعهدنامه‌ها، پرده از قهرمانی شما برداشتند. آنطور که ما
می‌دانستیم شما تنها مرد سخnrانی‌های پر طمطراق و قهرمان یادداشت‌های اعتراض
آمیزید.

با نگاهی به اشعار ملی‌گرایانه هر دو شاعر می‌توان گفت که جنبه‌های طنز
وطن‌دوستانه نسیم شمال بی‌پرده‌تر از ابراهیم طوقان است. چه سروده‌های ابراهیم
طوقان تا حدودی به اشعار مستدل و زبانی عادی شباهت بیش‌تری دارد. افزون بر آن
نسیم شمال عمدتاً اشعار طنز خود را در قالب ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و مستزاد می‌سراید،
حالی آنکه اشعار ملی طوقان بیش‌تر در قالب قصیده یا غزل سروده شده است.

حسرت و افسوس بر وطن

از دیگر مضامین طنزآمیزی که در اشعار نسیم شمال و ابراهیم طوقان به چشم
می‌خورد، حسرت و افسوس بر گذشته و آینده میهن است؛ حسرتی که گاه با انتقادی
ضمنی یا صریح از حکام یا مردم در آمیخته است. چه آنان در برابر تجاوز بیگانگان،
خواری وطن و آینده شوم آن چشم فرو بسته و دست روی دست گذاشته‌اند. ابراهیم
طوقان در این باره می‌گوید (۳۴۷):

يا حَسْرَتَا ماذا دَهِى أَهْلُ الحِمى
فَالعِيشُ ذُلٌّ وَ المَصيرُ بَوَار
الظالمُ الباغى يَسوسُ أمورَهُم
وَ اللصُّ وَ الجاسوسُ وَ السَّمار

- اهل وطن به چه مصیبتی دچار شده‌اند که زندگیشان با خواری و سرنوشتشان با
تباهی در آمیخته است. مشتی ستمگر، متجاوز، دزد، جاسوس و دلال اداره امور کشور را
به دست گرفته‌اند.

گویا شاعر تلاش دارد تا با زدودن چهره ذلت و خواری میهن، عزت گذشته فلسطین را بدان بازگرداند (۵۱۲):

لَا نُرِيدُ ذُلَّنَا الْمُؤَبَّدَا وَعَيْشُنَا الْمُتَّكِدَا
لَا نُرِيدُ بَلَّ نُعِيدُ مَجْدَنَا التَّلِيدَا

- ما خواهان ذلتی جاودانه و زندگی فقیرانه نیستیم. بلکه به دنبال احیای عظمت دیرین خود می‌باشیم.

نسیم شمال هم با اشاره به پیشینه درخشان ایران و ذکر نام پهلوانان اساطیری آن، حسرت خود را از وضعیت کنونی وطن ابراز می‌دارد و به طور غیر مستقیم خواهان بازگشت به دوران باشکوه گذشته است (۴۲۱):

ای دریغا دستخوش شد کشور کاووس کی
جای رطل جام می، غولان نهادستند پی

آه و واویلا که عمر مملکت گردید طی
جای بلبل تکیه زد زاغ و زغن خون گریه کن

او در جای دیگری با هشدار درباره تجاوز بیگانگان، حسرت و اندوه خود از وضعیت تاسف‌بار میهن را به گونه‌ای صریح‌تر و گزنده‌تر بیان می‌کند (۱۴۸):

هان ای ایرانیان، ایران اندر بلاست
مملکت داریوش دستخوش نیکلاست

مرکز ملک کیان در دهان اژدهاست
غیرت اسلام کو، جنبش ملی کجاست

نسیم شمال گاهی حسرت و اندوه خود را متوجه عملکرد نادرست نمایندگان، وزرا و مشروطه‌خواهان می‌کند و با انتقاد از اقدامات آنان اینگونه می‌سراید (۴۴۰):

چنین سرخ این کوه و صحرا نمی‌شد
چه خوش بود مشروطه برپا نمی‌شد

چنین سرخ این کوه و صحرا نمی‌شد
چه خوش بود از خون پاک جوانان

وکیل طمعکار پیدا نمی‌شد
چه خوش بود در پارلمان بهر ملت

ابراهیم طوقان نیز در اشعار حسرت‌بار خود، تنها شعار و فریاد "زنده باد وطن" را برای آزادی میهن کافی نمی‌داند. شاعر از بی‌توجهی مسئولان شکوه می‌کند و از اینکه تنها به شعارهای فریبنده بسنده می‌کنند و از بذل جان و خون خود در راه وطن دریغ دارند، انتقاد می‌کند (۲۴۳):

وَطَنٌ يُبَاعُ وَيُشْتَرَى
وَتَصِيحُ فَلْيَحِيَ الْوَطَنَ
لَوْ كُنْتَ تَبْغِي خَيْرَهُ
لَنْزَلْتَ مِنْ دَمِكَ الثَّمَنَ

وَلصمَتَ تَضْمُدُ جُرْحَهُ لو كُنْتَ مِنْ أَهْلِ الْفِطْنِ

- آنان وطن را معامله کرده‌اند و تو فریاد زنده باد وطن سر می‌دهی. اگر خیر وطن را می‌خواستی، خون ارزشمند خود را در پایش می‌ریختی. اگر زیرک و باهوش بودی، زخم‌هایش را مداوا می‌کردی.

شاعر بی‌محابا زبان به سرزنش دلالتان و فروشنندگان زمین می‌گشاید و آن‌ها را چارپایانی سفیه و بی‌خرد می‌خواند (۱۸۵):

حَسْبُوا فِي الرَّجَالِ هَلْ كَانَتْ الْأَنْعَامُ إِلَّا لِمِثْلِهِمْ أَشْبَاهًا

- آن‌ها خود را در زمره مردان می‌دانستند، در حالیکه به چارپایان شبیه‌ترند.

نسیم شمال با افسوس از اینکه وطن غرق در مشکلات گوناگون شده و در چنگال گرگ‌ها گرفتار آمده است (۳۲۲)، از جوانان وطن می‌خواهد تا همت کنند و غفلت آنان را به باد انتقاد می‌گیرد (۴۱۲):

ای جوانان وطن ایوم همت است ای هواخواهان دین امروز روز غیرت است
می‌رود ناموس آخر این چه خواب غفلت است دشمن بیگانه آمد بر سر بالین ما

شاعر تیغ تیز انتقاد خود را متوجه نمایندگان کشور می‌داند و چهره واقعی آن‌ها را اینگونه توصیف می‌کند (۳۳۹):

آمد وکیل تازه دیدن کنید دیدن از باغ عارض گل، چیدن کنید چیدن
یک دسته رند و کلاش دلداده وکالت هر گوشه پهن کرده سجاده وکالت
یک دسته چون شترمرغ با نقش و با نگارا از قدرت اجانب گشته به خر سوارا
در حوزه وکالت گردیده آشکارا قربان برم خدا را یک بام و دو هوا را

او بر آزادی از دست رفته و مشروطه ناکام مانده که زمانی مدافع سرسخت آن بود، حسرت می‌خورد. شاعر از اینکه مبارزه و قیام مردمی به اهداف واقعی خود دست نیافته است، ابراز ناخرسندی می‌کند (۱۷۷):

گفتم که قلم شده است آزاد ایران خراب گشته آباد
مشروطه قوی نموده بنیاد بس مدرسه‌ها شده است ایجاد
افسوس که شیشه‌مان به سنگ است این قافله تا به حشر لنگ است

ریشخند و سرزنش سازشکاران

یکی از طنزهای طعنه‌آمیز و معروف /براهیم طوقان، مقایسه رهبران سازشکار فلسطین با گاندی، رهبر فقید هند، است. با آنکه گاندی مسلمان نبود، اما برای مقابله با استعمار انگلیس و دفاع از میهنش، روزه می‌گرفت. شاعر به ریشخند خطاب به رهبران مسامحه‌کار فلسطینی می‌گوید که اگر نمی‌توانید مثل گاندی روزه بگیرید، حداقل برای نفروختن زمین‌های کشور روزه‌دار باشید (۲۹۵):

حَبَّذَا لَوْ يَصُومُ مِنَّا زَعِيمٌ مِثْلَ غَانَدِي عَسَى يُفِيدُ صِيَامُهُ
 لَا يَصُومُ عَنِ طَعَامِهِ فِي فَلَسْطِي مِنْ يَمُوتُ الزَّعِيمُ وَلَا طَعَامُهُ
 لِيَصُومَ عَنِ مَبِيعِهِ الْأَرْضَ يَحْفَظُ بُقْعَةً تَسْتَرِيحُ فِيهَا عِظَامُهُ

- ای کاش رهبران ما هم چون گاندی روزه می‌گرفتند و ای کاش روزه‌هایشان سودی داشت. رهبران فلسطین مرده‌اند، اما نه از نخوردن غذا. آن‌ها به جای امساک از غذا، باید از فروش زمین امساک کنند تا قبری داشته باشند که اجسادشان در آنجا آرام گیرد.

نسیم شمال با بکارگیری صنعت بدیعی تجاهل العارف، آشکارا به شخص اول مملکت گوشه و کنایه می‌زند و می‌گوید گویا شاه از اوضاع کشور بی‌خبر است (۶۸۳):

گوئیا بی‌خبر از ملک شه تا جور است مملکت در خطر است
 وین چه آشوب و چه فتنه است که در بحر و برست شه مگر بی‌خبر است
 خائنان عصمت و ناموس وطن داده به باد زین جماعت فریاد
 غافل از کشور خود آن شه والاگهر است شه مگر بی‌خبر است
 مستشار آمده از خارجه سوی ایران دید ایران و ایران
 بهر سرقت همه را دامن همت کمر است شه مگر بی‌خبر است

شاعر عملکرد رؤسا و متنفذان کشور را زیر سؤال می‌برد و نگاهی ریشخندگونه به اقدامات آن‌ها دارد. از این رو با زبان کنایه‌آمیز صراحتاً ابراز می‌دارد که آن‌ها به جای خدمت، خیانت را پیشه خود ساخته‌اند (۷۵۵):

متفق گشته به هم از عقلا و جهلا وکلا آی وکلا
 آرزو بود که از بهر وطن کار کنید کشف اسرار کنید
 دور سازید ز ملت همگی رنج و بلا وکلا آی وکلا

دین و مذهب شده بازیچه آن کفش و کلاه
و کلا آی و کلا
ابراهیم طوقان نیز در قصیده‌ای خطاب کنایه‌آمیز خود را متوجه رهبران سازشکار
عرب و زعمای مسامحه‌کار فلسطین می‌داند (۵۸):

وَعَدُّ بِالْفُورِ دَكَّهَا فَلِمَاذَا
تَجْعَلُونَ الْأَنْقَاضَ مِنْهُ رُمَادًا
وَطَنٌ بِأَيْسٍ يُبَاعُ وَأَنْتُمْ
لَا تَزَالُونَ تَخْدَعُونَ الْعِبَادَا

- اعلامیه بالفور کشور را ویران ساخت. پس چرا شما خرابه‌های آن را به خاکستر بدل
می‌کنید. وطن بیچاره فروخته شده و شما پیوسته به مردم خیانت می‌کنید.

نسیم شمال در شعری با مقایسه میان مردم و مسئولان کشور به‌ویژه نمایندگان
پارلمان، مردم عادی را آگاه‌تر و هوشیارتر از آن‌ها می‌داند و با زبانی کنایه‌آمیز از فرورفتن
ایشان در خوابی عمیق سخن می‌گوید (۷۸۹):

ما گمان کردیم راحت می‌شویم
از خیالات استراحت می‌شویم
داخل اندر باغ جنت می‌شویم
واقف از باغ قناعت می‌شویم

خلق بیدارند و در خوابیم ما

بهر ملت از مخارج کاستیم
با هیاهو پارلمان آراستیم
چون وطن خواهان زجا برخواستیم
رفت خوابی بهر خود پیراستیم

خلق بیدارند و در خوابیم ما

اما/ابراهیم طوقان مردم را مقصر و خامت اوضاع کشورش می‌داند. چه به رگم
مصیبت‌های بی‌شماری که بدان گرفتار آمده‌اند، دست به خروش و قیام نمی‌زنند. شاعر
به کنایه خطاب به آن‌ها می‌گوید دشمن شما دل‌رحم و نرم‌خو نیست، پس چاره‌ای جز
مهاجرت پیش روی شما نمانده است (۳۴۶):

يا قومُ لَيْسَ عَدُوَّكُمْ
لَمَنْ يَلِينُ وَيَرْحَمُ
يا قومُ لَيْسَ أَمَامَكُمْ
إِلَّا الْجَلَاءُ فَخَرَمُوا

او مردم را همچون خواب‌رفته‌هایی می‌داند که دیگر بیداری برایشان سودی
ندارد (۲۲۴):

انفروا أَيُّهَا النَّيَامُ فَهَذَا
يَوْمٌ لَا يَنْفَعُ الْعُيُونَ كَرَاهَا

شاعر در جای دیگر به استهزاء می‌گوید، زیبایی بهار و گل‌های باطراوتش برای چه کسانی سودمند است؟ فصل بهار برای کسانی نشاط‌آور است که زمین دارند و آن را نمی‌فروشند (۲۷):

لَمَنْ الرَّبِيعُ وَطَيْبُهُ وَهَوَاهُ وَالزَّهْرُ الْبَدِيعُ
فَرِحُ الرَّبِيعِ لَمَنْ لَهُ أَرْضٌ وَلَيْسَ لَمَنْ يَبِيعُ

نسیم شمال هم با زبانی طنزآلود به مقامات بلندپایه کشور حمله می‌کند و مسئولیت اوضاع آشفته و نابسامانی‌های موجود را متوجه اقدامات بی‌خردانه آن‌ها می‌داند (۲۳۰):

ای قلم پنداشتی هنگامه دانشوری است دوره علم آمده هر کس به عرفان مشتری است
تو نفهمیدی که اوضاع جهان خر تو خری است خر همان است و عوض گردیده پالان ای قلم
نیستی آزاد در ایران ویران ای قلم

وقتی صهیونیست‌ها مبادرت به خرید زمین‌های فلسطینی کردند، /براهیم طوقان به شدت آن را محکوم کرد و به سرزنش فروشندگان و دلالان زمین پرداخت؛ همانانی که با اقدامات نابخردانه خود، سبب بروز گرفتاری‌های طاقت‌فرسایی برای وطن شده بودند (۳۰۳):

هَيْهَاتَ ذَلِكَ أَنْ فِي بَيْعِ الثَّرَى فَقَدَ الثَّرَى
مَنْ ذَا لَوْمٍ سَوَى بَنِي وَطَنِي عَلَى هَذَا الْبَلَاءِ

- فروش زمین به منزله از دست دادن وطن است. چه کسی جز فرزندان وطنم، به سبب بروز این مصیبت، سزاوار سرزنش‌اند؟

وی در جای دیگری خطاب به هموطنان غافل خود می‌گوید (۳۳۸):

بَنِي وَطَنٍ هَلْ يَقْظَةٌ بَعْدَ رَقْدَةٍ وَهَلْ مِنْ شُعَاعٍ بَيْنَ تَلْكَ الْغِيَاهِبِ

- ای فرزندان وطن! آیا بعد از خواب، بیداری وجود دارد؟ آیا از پس این تاریکی‌ها، روشنایی نمایان می‌شود؟

نسیم شمال از جهالت و خواب‌رفتگی ملت می‌نالند و آن را از عامل اصلی بدبختی و عقب ماندگی کشور برمی‌شمارد (۶۱۴):

ملت فقیر ما چرا روز و شب به خواب است عقل ما شده اکسیر در این مملکت نایاب است
چون که جهل و بی‌علمی در باغ‌ها سراب است زمین جهت بروی خلق ز هر سو بسته باب است

نتیجه بحث

از آنچه گفته شد دریافتیم که حضور مستبدان و متجاوزان یا خیانت دولتمردان و جهالت مردمان، در شکوفایی شعر و بالندگی عرصه هنر نسیم شمال و ابراهیم طوقان که تقریباً در دوره زمانی مشابه می‌زیسته‌اند، تأثیر بسزایی داشته است. هر دو شاعر در برهه‌ای از زمان، از وطن خود دور بوده‌اند و به گونه‌ای مجبور به مسافرت به مناطق دیگر می‌شوند. هر دو به فعالیت‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای روی می‌آورند و به چاپ آثارشان در روزنامه‌ها می‌پردازند. هر دوی آن‌ها با به استفاده از اسلوب طنزی تلخ و گزنده، تمایل به اصلاح امور کشور و تغییر شرایط موجود داشته‌اند. دو شاعر برای بیداری افکار عمومی و ترویج روحیه وطن دوستی و آزادی‌خواهی در میان آحاد جامعه، سخت تلاش کرده‌اند. به سبب بروز این گونه احساسات ملی‌گرایانه، استفاده از زبانی دلنشین، سبکی روان و واژگانی ساده، مورد توجه هر دو شاعر بوده است.

با این حال ابراهیم طوقان به جای انتخاب زبانی صریح، با اسلوبی کنایه‌وار، حسرت‌آمیز، آمرانه و تحکمی، با مخاطب خود سخن می‌گوید و به بیان واقعیت‌های تلخ سرزمین فلسطین می‌پردازد. شاعر گاه مسامحه‌نخبگان، سیاستمداران و مردم کشورش را به چالش می‌کشد و گاه به سبب غفلت از سرنوشت مصیبت‌بار کشور، زبان به شماتت آنان می‌گشاید. او از نخستین شاعرانی است که با اسلوب طنز به نقد اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه فلسطین می‌پردازد و به کمک واژگان، خشم خود را بر سر استعمارگران فرو می‌ریزد.

شعر نسیم شمال از نظر ترکیب و عبارت، ساده و روان است؛ هر چند که به سبک اشعار کلاسیک و ماندگار ادبی ایران سروده نشده باشد. زبان نسیم آکنده از بذله‌گویی، آن‌هم با شیوه‌ای افشاگرانه و ستیزه‌جویانه است. طنزهای صریح او بی‌پرده‌تر از ابراهیم طوقان است. اشعار نسیم آکنده از حسرت بر گذشته است و مخالفت با استبداد یا ارتجاع و دفاع سرسختانه از استقلال میهن، اصلی‌ترین بن‌مایه‌های شعر او را تشکیل می‌دهد. طنز او نسبت به خیانتکاران، سرسپردگان و مخالفان آزادی بسیار نیشدار و گزنده است. او در مقایسه با ابراهیم طوقان بیش‌تر اشعار عامیانه و ضرب‌المثل‌ها را در سروده‌های خود به کار می‌بندد. گویا شاعر با این روش می‌خواهد پیام‌های آگاهی‌بخش خود را

مطابق با شرایط زمانه به گوش مخاطبانش برساند. روی هم رفته مضامین شعر نسیم شمال، متنوع‌تر، گسترده‌تر و اجتماعی‌تر از *ابراهیم طوقان* است. اما در عوض زبان طنز طوقان، جدی‌تر و پرمایه‌تر به نظر می‌رسد؛ هرچند که گاه شاعر از اسلوب طنز فاصله می‌گیرد. هم‌چنین بن‌مایه‌های استعمارستیزی در اشعار *طوقان* پررنگ‌تر و جایگاه والاتری از نسیم شمال دارد. اما نقد دشمنان داخلی و مقابله با جهل و خرافه‌پرستی در سروده‌های نسیم بیش‌تر به چشم می‌خورد.

کتابنامه

- اصلائی، محمدرضا. ۱۳۸۷ش، فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، تهران: نشر کاروان.
- بکار، یوسف. ۲۰۰۴م، ابراهیم طوقان أضواء جدید، بیروت المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- بهزادی اندوهج‌ردی. ۱۳۷۹ش، طنز و طنزپردازی در ایران، تهران: انتشارات دستان.
- جیوسی، سلمی خضراء. ۱۹۹۷م، موسوعة الأدب الفلسطيني المعاصر، بیروت: مؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- حسینی گیلانی، سید اشرف‌الدین. ۱۳۷۱ش، دیوان، به کوشش حسین نمینی، تهران: انتشارات علمی.
- حماده، عمر محمد. ۱۹۸۵م، أعلام فلسطين، بیروت: دار القتیبه.
- شراب، محمد. ۲۰۰۶م، شعراء فلسطين فی العصر الحديث، دار الأهلية للنشر والتوزيع.
- صلاحی، عمران. ۱۳۶۵ش، طنز آوران امروز ایران، تهران: نشر مروارید.
- طوقان، ابراهیم. ۱۳۸۲ش، دیوان، الطبعة الاولى، بیروت: دار القدس.
- طه، متوکل. ۱۹۹۹م، الكنوز ما لم يعرف عن إبراهيم طوقان، بیروت: لا نا.
- کنفانی، غسان. ۱۹۶۸م، الأدب الفلسطيني المقاوم تحت الاحتلال، بیروت: مؤسسة الدراسات الفلسطينية.
- محاسنی، زکی. بی تا، ابراهیم طوقان شاعر الوطن المغضوب، قاهره: دار الفكر العربي.
- محمدی، حسنعلی. ۱۳۷۳ش، شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، تهران: نشر ارغنون.
- ملاابراهیمی، عزت. ۱۳۹۰ش، گاه‌شمار رویدادهای تاریخ معاصر فلسطین، تهران: نشر مجد.
- نورمحمدی، مهدی. ۱۳۸۴ش، ناگفته‌هایی درباره زندگانی سید اشرف‌الدین حسینی (یادنامه اشرف‌الدین حسینی)، به اهتمام علی اصغر محمدخانی، تهران: سخن.

مقالات

- تات‌پور، گرسیوز. ۱۳۹۲ش، «تعریف و بررسی طنز و تفاوت آن با مقوله‌های دیگر»، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۱۴-۱۳، تهران.
- حسینی، سیدمرتضی. ۱۳۹۲ش، «السخرية في شعر ابراهيم طوقان»، دو فصلنامه ادبیات عربی، سال ششم، شماره ۱۰.

شرکت مقدم، صدیقه. ۱۳۸۸ش، «مکتب‌های ادبیات تطبیقی»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۲.

ممتحن، مهدی و فروغ الهی. ۱۳۸۸، «مقاسیه ناسیونالیسم در اشعار ملی عارف قزوینی و ابراهیم طوقان»، مجله ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۰.